

هزار بامداد است به امید سپیده ایم

دکتر محمد جعفر محمد زاده

بک:

داستان معروفی است که حاکمی فرمان داد تا کسی را هزار شلاقش بزنند، آن بیچاره برگشت و با تلمخندی گفت: یا هزار نمی شناسی یا شلاق نخورده‌ای! هزار عدد کثرت است و هزاردازه ی بسیار و اغراق آمیزی را به هزار قیاس می کنند. درقران وحایت چنین است آنگونه که در سوره ی قدرمی خوانیم؛ شب قدر از هزار مابیرتر است.



دوست فرهیخته و روزنامه‌نگار ارجمند، «استاد عزت‌الله جنگایی» که از پیشگامان رسانه‌های مکتوب پس انقلاب درلرستان است، «بامداد لرستان» را به هزارمین شماره رسانده‌است.

چاپ هزار شماره انزشریه‌ای با مطالبی متنوع و خواندنی دریک استان محروم، کاری است کارستان و صد البته بسیارسخت و طاقت فرسا. پیش از آن که به سه پرسش آقای جنگایی پاسخ بدهم به ایشان و همه‌ی همکاران ارجمندم درتحریریه! باید پشتکار جنگایی که بامداد را تا مر حله‌ی و ستایش، فرخ‌باد می گویم و برایشان از بُنِ جان، آرزوی بهروزی و پیروزی دارم.

شانزدهم تیر ۱۳۷۶ بامداد لرستان درسپهر مطبوعات ایران متولد شد. از آن زمان تا کنون بیش از ۲۵ سال می گذرد. ۲۵ سال، زمان کمی نیست، بخشی از عمر و زندگی آقای جنگایی در این مدت سپری شده و درپس هرشماره چه خون‌دل‌ها که نخورده‌اند! باید پشتکار جنگایی که بامداد را تا مر حله‌ی جوانی رسانده‌است، ستود؛ چه اصولا کار فرهنگی به‌ویژه فعالیت مطبوعاتی در ایران و استان محرومی چون لرستان نه از نظر مادی به‌صرفه است و نه از نظرهای دیگر. شاید یکی از دلایل جوان مرگ شدن مطبوعات ایران به ویژه مطبوعات محلی، همین باشد.

یک پرسش اساسی این است که چرا ما، درایران به ویژه در استان‌ها، مطبوعات تأثیر گذار، قدیمی و باصرفه‌ی اقتصادی نداریم؟ برای پاسخ دادن به این پرسش، پاسخ‌های زیادی وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

–برخورد دستگاه‌های نظارتی

–غیبت احزاب و بازی کردن اجباری مطبوعات درنقش آن‌ها

–ضعف قوانین

–نبود اطلاعات کافی و سرشماری فرهنگی در کشور

–نبود پنگاه‌های مطبوعاتی متعدد

–کمبود جدی نیروی انسانی متناسب با رسالت‌ها و انتظارات

–خانوادگی اداره شدن مطبوعات

–نبود مقوله‌ی اقتصاد رسانه و مدیریت مطبوعاتی...

و نبنی اکرم فرمودند: یک ساعت اندیشیدن از هزار سال عبادت بهتر است. در شعر و ادبیات

آنگونه که استاد سخن سعدی بزرگ گفته است:

هزار جهد بکرم که سر عشق پیوشم

نبود بر سراثش میسرم که نجوشم

قصه های هزار و یک شب به تعبیر عرب‌ها(الف لیله و لیلیه) را هم حتما شنیده اید که آنهم از این دست است؛ گفته اند که شاه عباس فرمان داد که نهصدونود و نه کاروانسرایسازند.

چون پرسیدند چرا نهصدو نودو نه؟

گفت: یک هزار عدد اغراق است واحتمال دارد بعضی از آینده باور نکنند که این خدمت، ساخت هزار کاروانسرا، واقعیت داشته است، پس نهصد و نود و نه بسازید تا برای آیندگان باور پذیر باشد! و از این دست مثال‌ها فراوان است.

اما، به درستی و واقعیت اینکه بامداد لرستان به هزارمین شماره‌ی خود رسیده است.

گفتن از هزار شماره انتشار روزنامه به پشتوانه ی اراده و اداره‌ای غیر دولتی، تنها به زبان آسان است و باری بزرگنمایی! از موسسات بزرگ مطبوعاتی و فرهنگی که دست‌شان در جیب دولت هاوشنبه دولتی‌هاست سخن نمی گویم؛ اینجا و در استان لرستان از اراده ی یک فرد برای توسعه ی فرهنگ سخن می گویم و او را می ستایم.

دو:

بیش از بیست و پنج سال است که جست‌ه گر یخته ره بامدادان به لطف مدیر فرهیخته ی این جریده ی شریفه به عنوان عضوی کوچک در صفحه‌های بامداد لرستان حاضر بوده ام. از سال هزار و سیصد و هفتاد و شش و از روزگاری که یادداشت سیاسی می‌نوشتم و ستونی ثابت در حوالی «لیلله» داشتم و صد شکر که خیلی زود فهمیدم که از شوره زارسیاست دانه ای ماندگار جوانه نمی‌زند تا امروز که با «دغدغه های فرهنگی» و «پارسی گویان» به مصد خود تاولی شده‌ام، این شانس و افتخار را داشته‌ام که با کاروان بامداد لرستان در کنار هم استانی‌های ارجمند باشم و مفتخر به اینکه حتی در زمان اجاره نشینی مشاغل به‌ظاهر سیاسی واداری دلبسته‌ی فرهنگ بودم.

سه:

نمی‌توانم دراین فرصت از رنجی که مردم استانم از توسعه نیافتگی می کشند و شرایطی که در آن قرار دارند سخن نگویم که چون بارگرایان شاه‌های نجیف‌شان را زخمی کرده است.

بیکاری، بی‌آبی، مهاجرت، نزاع‌ها و... برهکاری‌های محصول بیکاری، حضور پررنگ در صفحه‌ی حوادث رسانه‌های ملی و... و این سخن تکراری خود را باید دیگر بر زبان نیاورم که چاره ی کار لرستان در توسعه ی فرهنگی و تقویت نیروی انسانی توانمند جوانان لرستانی است.

توسعه و تقویت فرهنگ و آگاهی بخشی به مردم شریف، همین مسیری است که بامداد لرستان و ده‌ها نشریه و رسانه ی دیگر با روزنامه نگاران دلسوز و متعهد با مرارت و

هزار شماره، هزار خون دل!

دکتر کیانوش رستمی

استاد دانشگاه و صاحب امتیاز هفته نامه سیمه

به‌رغم دلایلی که آمد اما بامداد لرستان نزدیک به سه دهه دوام آورده و به فعالیت خود ادامه داده است که باز تأکید می‌کنم: این کار ستودنی و ارزشمند است.

مهم‌ترین دلیلی که آقای جنگایی «چراغ بامداد» را تا کنون روشن نگه داشته است، به مدیریت مطبوعاتی و البته اخلاق حرفه‌ای ایشان برمی‌گردد. آقای جنگایی ازجمله مدیران مطبوعاتی است که هم دانش رسانه‌ای دارد و هم مدیریت رسانه را خوب بلد است و هم چنین اقتصاد رسانه را نیز به‌درستی می‌داند.

من برآنم که آقای جنگایی با کنار هم قرار دادن سه مولفه‌ی بالا توانسته است با خط مشی میانه که تنها کارش اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی است از گزند حاشیه‌ها در امان بماند و به کار خود ادامه دهد.

به عبارتی دیگر، مدیر بامداد با کوله‌باری از تجربه توانسته است رسالت خود را به‌خوبی انجام دهد. اگر بگوییم خیلی از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران و روزنامه‌داران کنونی مرکز استان روزی در مکتب بامداد مشق روزانه‌نگاری می‌کرده‌اند سخنی بی‌راه نگفته‌ایم. به دیگر سخن، مهم‌ترین نقشی که رسانه‌ها دارند نقش آموزشی است که بامداد به درستی ازپس این نقش برآمده است. چراچون مدیر آن هم روزنامه‌نگار است و هم روزنامه‌دار.

گذشته‌ی بامداد:

آقای جنگایی در سرمقاله‌ی شماره‌ی صفر بامداد(۱۶ تیر ۱۳۷۶) نوشته بود که «بامداد لرستان منتشر می‌شود تا بخشی از جای خالی مطبوعات را در فضای فرهنگی لرستان پر کند... و برای پویاتر شدن فرهنگ منطقه مان استین‌ها را بالا بزنیم...» به نظر بامداد دراین فقره موفق عمل کرده زیرا رویکرد فرهنگی این نشریه به دیگر موضوعات آن می‌چربد و سنگینی می‌کند؛ باید هم، چنین باشد زیرا مدیر بامداد، پیشینه‌ای ادبی، فرهنگی مدیریت در حوزه‌ی رسانه‌های شنیداری، دیداری پژوهشگری، نویسندگی و مطبوعاتی دارد. بدون تعارف می‌توان گفت گذشته‌ی بامداد لرستان خوب و قابل دفاع است و این را می‌شود از لابه‌لای مطالب این نشریه به عینه

ویژه نامه هزارمین شماره بامداد لرستان



شجاعت دنبال می‌کنند که عمرشان افزون و قلم‌شان ماندگار و تأثیر گذارید که با وجود آنکه هزار و هزاران بامداد از قلم و فکر آن‌ها بر سواد روزگار دمیده است، رلی هنوز درانتظار سپیده‌ایم.

تقویت و تربیت نیروی انسانی یعنی توجه به جوانان توانمند لرستانی که در گوشه و کنار کشور منشأ خدمات نمایانی هستند و قدرشان در لرستان نادانسته و ناشناخته است و سهم لرستان در مدیریت کلان کشور کم است و متأسفانه گاهی با تنگ نظری نه تنها گاهی پیش نمی‌رود بلکه گاه مانعی هم سد راه آنانی که در توان خود عرصه و صحنه یافته‌اند ایجاد می‌شود.

فراموش نکنیم که توسعه در حوزه‌ی فرهنگ و نیروی انسانی یعنی تسهیل توسعه در سایر عقب افتادگی‌های و روشن است اگر این دو نباشند توسعه در سایر بخش‌ها یا محقق نمی‌شود و با نتمام و نیمه کاره‌ها خواهد شد.

این سخن را به گواه آرشبو بامداد لرستان در یادداشتی با عنوان «کدام توسعه؟» (در زمانی که دعوای جنگ بی حاصل بر سر تقدم توسعه‌ی سیاسی یا اقتصادی بود در شماره‌ی ۴۸ آن در سال هزار و سیصد و هفتاد و هفت نوشته‌ام، تکرار می‌کنم و به آن باور دارم.

چهار:

سخن را به دراز نمی‌کنم که از حدود یک یادداشت برای مناسبتی نیکو فراتر نرود. بار دیگر تریک می‌گویم انتشار هزارمین شماره از بامداد لرستان را به دست اندرکاران به ویژه برادر عزتمند چنگایی عزیز و خانواده و دوستان و همکارانش و از در گذشتگانی که روزگاری نقش و قلم‌شان زندگی بخش صفحات بامداد لرستان و رسانه‌های استان بود و شامگاه عمرشان رسید و رخ در نقاب خاک کشیدند نام می‌برم. از آن جمله استاد ایرج کاظمی، قاسم شوهانی، محمد، باراحمدی و پیمان خادمی که یادشان گرامی و روح و روانشان به مینو در آرامش ابدی باد.

از این موضوع به‌دور بوده بلکه توجه و تأکید بیشتر مورد نظر است.

مطبوعات و فضای مجازی

رسانه انواع گوناگونی دارد: رسانه‌های جمعی مانند رادیو، تلویزیون، مطبوعات

رسانه‌های الکترونیکی مانند پایگاه‌های خبری و وبسایدهای اطلاع‌رسانی

رسانه‌های اجتماعی مانند فیس بوک، توئیتر، تلگرام، واتساپ، اینستاگرام، کلاب هاوس، گوگل پلاس و ... که امروزه از سرآمدان اینترنت به‌شمار می‌روند.

هرکدام از این سه گونه رسانه مشتریانی دارند. به نظر من رسانه‌های جریان اصلی باید به راه خود ادامه بدهند هرچند این راه دشوار و دشوارتر می‌شود اما، باید در این رقابت نابرابر در مقابل قدرتمند اجتماعی روش کار خود را تغییر بدهند و ذائقه‌های مخاطبان را بر آورده کنند. مثلاً به جای پرداختن به مسائل و موضوعات صرفاً خبری به موضوعات تحلیلی و تفسیری بیشتر توجه کنند. یعنی تأکید بر «فرایند محوری» بیشتر باشد تا «ارزیداده محوری».

فراموش نکنیم وقتی رادیو و تلویزیون متولد شدند برخی می‌گفتند کار رسانه‌های مکتوب چون کتاب و مطبوعات سخت شده و باید فاتحه‌ی آنها را خواند اما با وجود این، رسانه‌های حرفه‌ای و کتاب خوب، هنوز جایگاه و پایگاه خودشان را از دست ندادند.

در پایان یک بار دیگر به مدیر ارجمند بامداد لرستان و همکاران پر تلاش ایشان خسته نباشید می‌گویم و امیدوارم بامداد هم‌چنان پویا و جریان‌ساز تا هزاران هزار شماری دیگر به حیات خود ادامه دهد. ایدون باد!

کیانوش رستمی
بیستم مهر ۱۴۰۱ خرم‌آباد

عملکردی سخت کوشانه و فاتحانه



حسن احمدوند

در فرهنگ عامه لری، اصطلاحی کنایی داریم به‌جامانده از عملکرد سخت کوشانه مردانی که فاتحانه پشت سر گذاشته‌اند فراز و فرودهای بسیار را برای رسیدن به مطلوب خود و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند.

در این اصطلاح وقتی مردی را از دیگر مردان می‌خواهیم متمایز کنیم یا در ردیف بزرگان پیش از خود قرار دهیم می‌گوییم طرف «چو هزاره نه زیه» و این شاید عددکثرت باشد. کنایه ازاینکه این مرد توانسته است هزارراه نرفته را با موفقیت طی کند. یعنی با گذر از فرازها و فرود های بسیار لزوم وجود خود را در میان جمع ثبت نموده است.

حالا آپس هزار طلوع و هزار غروب خورشید فروغ بی غروب بامداد لرستان را مدیون کسی هستیم که عزت مندانه برای اعتلای فرهنگ و رسانه در ایران اسلامی مشکلات را به جان خرید. چنان که هزاران هزاران بار تحسینش کنند.

پایا باد و مانا بماند این فرخنده مکتوب دانش و دانائی مانند همه ترانه‌های عاشقانه‌ای که از یکی از هزارانش را ناقد ابراهیمی سروده است:

ما برای آنکه ایران

کشور خوبان شود

چه خطر‌ها کرده ایم

اما یادمان باشد، هزارمین شماره بامداد لرستان عددکثرت نیست، یک حقیقت است.

هزار فرصت برای طرح آرزوها واستعدادهای تازه

فاطمه احمدوند

همیشه دنبال فرصتی بوده‌ام که درحد توان بتوانم از بانوان ورزشکار و با استعداد این استان حمایت کنم تا بهتر شناخته شوند.

خیلی خوشحالم که هفته نامه بامداد لرستان این فرصت را به من داده و من عضو کوچکی از خانواده بزرگ هفته نامه بامداد لرستان هستم.

به نظرم شماره هزارم بامداد لرستان، یعنی هزار فرصت برای طرح آرزوها واستعدادهای تازه.



نگاه طنز هفته

سید مصطفی جهانبخت

